

هُوَالله-ای جنود حیات شرق و غرب پرستش نجوم آفله نمایند و عبادت آفاق مظلّمه از.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



هُوَالله

ای جنود حیات شرق و غرب پرستش نجوم آفله نمایند و عبادت آفاق مظلّمه از. اسّ اساس شرایع مقدّسه الهیّه غافل و از فضائل کمالات دین الله ذاهل. عادات و رسومی چند را ارکان شریعة الله شمرده اند و بر آن معتکف گشته اند و خویش را مطیع و منقاد انبیا و اولیا شمردند و همچو گمان کرده اند که باعلی مراقی فلاح و نجات رسیده اند و حال آنکه در اسفل جهل زیستند و بکلی از مواهب الهیّه محروم و بی نصیب گشتند و سبب این حرمان آنکه باسّاس اصلی پی نبردند و در ترقّی در عوالم روحانی و مقامات سامیه رحمانی نکوشیدند اساس دین الله اکتساب کمالات است و استفاضه از فیوضات مقصد از ایمان و ایقان تزئین حقائق انسانی بفیض کمالات ربّانی است. اگر این حصول نیابد حقیقت حرمان است و عذاب نیران. پس بهائیان باید نظر باین امر دقیق نمایند که مانند سایر ادیان بعربده و های و هوئی و لفظ بی معنی کفایت نمایند بلکه بجمع شئون از خصائل و فضائل رحمانی در روش و رفتار نفوس ربّانی قیام کنند

و ثابت نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بی معنی و بهائی این است که شب و روز بکوشند تا در مراتب وجود ترقّی و صعود نمایند و نهایت آرزوی هر یک این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند. و نقطه نظر گاهش همواره خُلق و خوی حق باشد و روش و سلوکش سبب ترقّیات نامتناهی گردد بقدر قوه رحمت عالمیان شود و بقدر استعداد موهبت عالم انسان گردد.



ORIGINAL



AUDIO

چون باین مواهب موفق شود میتوان گفت که بهائی است و الا در این دور مبارک که نخر اعصار و قرون است ایمان عبارت از اقرار بوحدانیت الهیه نه بلکه قیام بجمع شئون و کجالات ایمان است

و کلّ یدعی وصلا بلیلی و لیلی لا تقرّ لهم بذا کا اذا سال الدموع علی الخدود تبیین من بکی ممن تباکا

در وقت امتحان معلوم گردد و آن روش و سلوک است حضرت اعلی روحی له الفداء و جمال اہبی کینونتی لقدوم احبائه الفداً جمیع ماها را بروش و سلوک دلالت و بجانفشانی هدایت فرمودند که چگونه باید از راحت و آسایش و خوشی خویش بیزار گردیم و بجهت فوز و فلاح دیگران جان نثار کنیم. آن ذات مقدس با وجود علو ذات و سمو حقیقت خویش بجهت هدایت ما تحمل غل و زنجیر نمود و در مدت زندگانی در این جهان فانی آنی نیاسود و دقیقه ئی راحت نفرمود و سر ببالین سکون و آرام نهاد و در جمیع ایام در محن و آلام بود. حال چگونه سزاوار است که ما قیام نمائیم. البتہ انصاف چنین اقتضا نماید که این تخم پاک افشاندہ را آبیاری کنیم. و آن نہالهای مغروسه را باغبانی نمائیم. بکلّ خود را فدای عالم انسانی نمائیم تا روی زمین بہشت برین گردد و وجہ غبراء جنت اہبی شود. و الا عاقبت حرمان عظیم است و خسران مبین. و علیکم التّحیة و الثّناء. ع ع

